

درس‌های بزرگ کازمیری کوچک

توطئه‌ای که می‌رفت حزب‌الله را به دام جنگ داخلی یا خلع سلاح بیندازد، با تدبیر رهبران این حزب خنثی شد

می‌رسید در واقع باتیان خارجی سناریوی ۱۵۵۹ مهم‌ترین اهرم اجرایی سیاسی‌شان در لبنان را که شخص حریری بود از دست می‌دادند، چرا که حریری علیرغم مناسبات گرمش با فرانسه و عربستان، از این استقلال نسبی که رأیش را با صراحت اعلام کند برخوردار بود؛ استقلالی که به واسطه سال‌ها کار سیاسی و همچنین اجرای پروژه‌های عظیم عمرانی در لبنان به دست آورده بود. به این ترتیب افق بحران در اردوگاه مخالفان حزب‌الله و سوریه ظاهر شد. اگر حریری مواضع جدیدش را با مطبوعات در میان می‌گذاشت توازن قوای سیاسی در لبنان کاملاً به نفع حزب‌الله به هم می‌خورد، چرا که جناح مخالف حزب‌الله که سال‌ها روی حریری سرمایه‌گذاری کرده بود و از او عنصری مقتدر برای به دست گرفتن هدایت و رهبری مخالفان حزب‌الله و حضور سوریه در لبنان ساخته بود به‌ناگاه رهبری خود را از دست می‌داد و تا آینده‌ای نامعلوم کسی هم‌شان او و با وجاهت سیاسی او پیدا نمی‌شد تا خلأ او را جبران کند.

۱۴ فوریه ۲۰۰۵، یعنی درست صبح روزی که روزنامه لبنانی السفیر مشروح سخنان حریری و مواضع جدید او را چاپ می‌کرد حریری در مقابل هتل سنسان جورج ترور شد. ترور حریری به‌ناگاه اذهان عمومی را متوجه حادثه ترور کرد و به جناح مخالفان حزب‌الله و سوریه فرصتی طلایی داد تا با جنجال‌آفرینی و سینه‌چاک کردن برای خون‌خواهی حریری، اذهان عمومی را به سوی ترور منحرف کنند و بدون داشتن هیچ مدرک محکمه‌پسندی، انگشت اتهام را متوجه سوریه کنند و این کشور را مجری ترور بنامند.

سپتامبر ۲۰۰۴ رفیق حریری، نخست‌وزیر مستعفی لبنان، پیش‌نویس طرحی را به شیراک پیشنهاد کرد که در آن نطفه شوم خلع سلاح حزب‌الله و خروج سوریه از لبنان بسته می‌شد. شیراک بلافاصله طرح را با بوش در میان گذاشت و با همکاری این دو، طرح پیشنهادی حریری به شورای امنیت رفت و قالب قطعنامه ۱۵۵۹ را به خود گرفت. به این ترتیب پروژه اخراج سوریه از لبنان و خلع سلاح حزب‌الله با پشتوانه بند هفت منشور سازمان ملل متحد وارد فاز اجرایی شد.

در اثنای اعلام موافقت‌ها و مخالفت‌ها با اجرای این قطعنامه در لبنان، سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله توانست طی مذاکرات منظم هفتگی با رفیق حریری، با او بر سر دو مفهوم به توافق برسد. اول اینکه خروج کامل سوریه از لبنان در شرایط آن روز لبنان به سود لبنان و استقلال این کشور نیست، و دوم اینکه خلع سلاح حزب‌الله زیر سایه تهدید دائمی رژیم صهیونیستی و مسلح نبودن ارتش لبنان به سلاح‌های لازم جهت مقابله با هجوم هوایی و زمینی ارتش رژیم صهیونیستی به صلاح کشور نیست. حریری پذیرفت نیروهای سوریه، بیروت و مرکز لبنان را به سمت بقاع ترک کنند و در آنجا مستقر شوند. ضمن اینکه پذیرفت مادامی که اسرای لبنانی به طور کامل آزاد نشوند، بخش‌های اشغالی خاک لبنان از جمله مزارع شبعاً آزاد نشود و تسویه حساب عادلانه و فراگیری که او از آن تحت عنوان «تسویه الشامله» نام می‌برد محقق نشود، حزب‌الله همچنان سلاحش را حفظ کند.

اگر خبر تعدیل مواضع حریری به گوش مطبوعات



۶۶

سیدحسَن نصرالله اعلام کرد هرکس خواهان خلع‌سلاح حزب‌الله است، باید به‌زور این کار را انجام دهد

با شهادت شاهدهی به نام زهیر – شاهدهی که به دلیل کذب این شهادت و همچنین جعل پاسپورت، هم‌اکنون در دادگاه امارات متهم است – چهار تن از سران نظامی و امنیتی ارتش لبنان به اتهام همکاری با سوریه در اجرای این ترور به زندان انداخته شدند و تا چهار سال بعد (بهار ۲۰۰۹) که هیچ مدركی علیه آنان یافت نشد و آزاد شدند، در زندان ماندند.

جو سیاسی آن روز لبنان و التهاب ناشی از بحران پیش آمده به‌قدری سنگین بود که کمتر کسی در درستی این اتهام تردید می کرد. روزنامه‌ها پر بود از اظهارات سیاسیونی که درباره علل و انگیزه‌های سوریه برای دست زدن به چنین ترور فجیعی داد سخن می‌دادند و تحلیل‌های پرطمطراق می‌کردند و خواستار تشکیل هر چه سریع‌تر دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به این جنایت سوریه می‌شدند!

به این ترتیب تا اینجای کار ائتلاف مثلث امریکا –فرانسه – عربستان، هر چند با قربانی کردن وزیر صفحه شطرنج بازی سیاسی آنان در لبنان یعنی رفیق حریری، با پیروزی پیش رفته بود. بعد از سال‌ها مقاومت و پافشاری سوریه در برابر رژیم‌صهیونیستی که خروجش می‌توانست به بهای گرو گرفتن رژیم‌صهیونیستی از بلندی‌های جولان تمام شود، این ائتلاف سه‌گانه توانسته بودند با تحت فشار گذاشتن سوریه، هیچ فرصتی برای ارائه پیش‌شرط به سوریه ندهند و این کشور را به خروج نظامیانش از لبنان وادارند. اما فاز دوم سناریوی ۱۵۵۹، خلع سلاح حزب‌الله بود. سیدحسَن نصرالله بدون کوچک‌ترین عقب‌نشینی، بلافاصله اعلام کرد هرکس خواهان خلع سلاح حزب‌الله است، باید به‌زور این کار را انجام دهد. طبیعی بود که هیچ کشوری نخواهد توانست با دخالت نظامی، سلاح یک گروه کوچک چریکی را که پایگاهشان در دل مردم است بگیرد. این شد که مخالفان به فشار سیاسی روی آوردند.

کارترین اهرم برای اعمال فشار به حزب‌الله این بود که این حزب را وارد عرصه یک جنگ داخلی دیگر، نظیر

جنگ داخلی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ کنند. تنها تصور پیشامد جنگی نظیر جنگ داخلی لبنان برای مردم کافی بود که آنها به قبول هر شرطی برای جلوگیری از وقوع مجدد چنان واقعه‌ای تن دهند. اما آفریدن کابوس جنگ داخلی تنها به شرطی عملی بود که حزب‌الله، ولو برای یک بار هم که شده، از سلاح خود برای دیکته کردن قدرت و حقانیتش در عرصه داخلی لبنان استفاده کند.

سیدحسَن نصرالله مجدداً اعلام کرد حزب‌الله تحت هیچ شرایطی برای حل بحران داخلی پیش‌آمده دست به اسلحه نخواهد برد، ولو هزار تن از آنان کشته شوند. بعد هم گفت که حل بحران تعیین تکلیف سلاح حزب‌الله را منوط به گفتگوی نمایندگان گروه‌های مختلف لبنانی و دستیابی آنها به اجماعی منطقی و قابل دفاع می‌داند. طبیعی بود که مخالفان ساکت ننشینند. آنها به فکر افتاده بودند با خیانت، عزم سیدحسَن را در این‌باره بیازمایند و او را وادار کنند تا در برابر کشتار حامیان مردمی خود در خیابان‌ها و ضمن انجام تظاهرات، به اعضای حزب‌الله توصیه کند در پاسخ، از سلاح استفاده کنند. اگر این اتفاق می‌افتاد مخالفان با توسل به این استدلال که وجود سلاح در دستان حزب‌الله به جنگ داخلی منجر خواهد شد، به اعمال فشار سیاسی و بین‌المللی روی می‌آوردند.

به این ترتیب اگر حزب‌الله در هر گونه برخورد داخلی، حتی کشتن عمدی حامیانش، از سلاح استفاده می‌کرد افکار عمومی جهان علیه‌ش بسیج می‌شد و به پشتوانه این قدرت اقلناعی، می‌شد هر اقدام ناجوانمردانه‌ای را علیه حزب‌الله و مردم جنوب لبنان به منظور خلع سلاح این حزب مرتکب شد، حتی اگر به بهایی چون دست زدن به جنایت جنگی باشد.

حزب‌الله اما تنها نبود. این حزب حامیان و هم‌پیمانان دیگری از جمله امل داشت. جوانان عضو امل بر خلاف اعضای حزب‌الله از آنچنان نظم تشکیلاتی که حزب‌الله داشت برخوردار نبودند. به قول نبیه بری، رهبر امل «فرق جوانان حزب الله و امل این است که اگر سیدحسَن به جوانانش بگوید بروید، می‌روند و وقتی بگوید برگردید

برمی‌گردند، اما من اگر به جوانانم بگویم بروید می‌روند، اما برگشتشان با خداست.» همین نکته، روزنه‌ای بود که مخالفان حزب‌الله امید داشتند با رخنه در آن، ضربه خود را به این حزب و حامیانش بزنند.

اسباب خیانت مخالفان در روز تحسَن مسالمت‌آمیز طرفداران حزب‌الله در یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های بیروت فراهم شد. روز قبل از این تجمع اخباری دال بر اینکه مخالفان قصد دارند با تحریک طرفداران حزب‌الله، آنها را وادار به استفاده از سلاح کنند به گوش رسید. اگرچه از قبل هم می‌شد چنین رویدادی را حدس زد. حزب‌الله در دوره‌ای قرار گرفته بود: یا باید تجمعش را علیه دولت سنپوره تعطیل اعلام می کرد، یا برای دفاع از جان حامیانش، به آنها اجازه مقابله به مثل و استفاده از سلاح می‌داد که البته هر دو شق ماجرا به نفع مخالفان بود. در روز تحسَن اعتراض‌آمیز حزب‌الله و هم‌پیمانانش علیه دولت سنپیوره، نیروهای وابسته به سمیر جعجع و دیگر مخالفان حزب‌الله با لباس شخصی به میان جمعیت آمدند و چند نفری از تظاهرکنندگان خشمگین را کشتند. قرار بود این تحسَن در روزهای بعد هم ادامه یابد. سیدحسَن باید نشان می‌داد در ادامه تجمعات فردا و پس فردا و روزهای بعد تا چه حد بر سر حرفش که عدم استفاده از سلاح بود باقی است.

اما تدبیر دبیر کل حزب‌الله چیز دیگری بود: گروهی از اعضای حزب‌الله با دوربین فیلمبرداری به تجمع آمدند. ضمن برگزاری تحسَن، ده‌ها دوربین آنها از هر حادثه‌ای، کوچک یا بزرگ، موافق یا مخالف بسا نقطه‌نظرات حزب‌الله، تصویر می‌گرفتند. وقتی کار به درگیری کشید، قناصه‌چی‌های طرفداران دولت از داخل خانه‌های یکی از خیابان‌های اطراف میدان به سمت تظاهرکنندگان معترض شلیک کردند و شش نفر دیگر را هم کشتند. اما این بار اوضاع با روز قبل متفاوت بود: همان شب شبکه المنار با نشان دادن تصاویر مستند شلیک قناصه‌چی‌های طرفدار دولت به جماعت معترض، اسم و آدرس و مشخصات آنان را در این شبکه اعلام کرد و در ادامه افزود که اینها همه باعث نخواهد شد حزب‌الله از سلاح استفاده کند!

این اقدام هوشمندانه حزب‌الله سبب شد توطئه تحریک حزب‌الله به استفاده از سلاح بلافاصله فرو کش کند: سنپوره اعلام کرد حزب‌الله به جای اسلحه، با دوربین به جنگ ما آمده است. تلفات حزب‌الله و حامیانش در این وقایع به بیست نفر هم نرسید. به این ترتیب توطئه‌ای که می‌رفت این حزب را به انتخاب یکی از دو گزینه فرو رفتن در جنگ داخلی یا کنار گذاشتن سلاحش وادار کند خنثی شد.

گزارشی درباره ممنوعیت حجاب در ترکیه

خداحافظ آتاترک!

خداحافظ آتاترک!

بررسی وضعیت زندگی و تحصیل دختران محجبه در ترکیه

حجاب، بی مصونیت

حجاب، بی مصونیت

گزارش سمینار بررسی چالش‌های آمریکا در خاور میانه، ویژه‌خصوص ایران

مساله ۲ ساعتی اوباما

مساله ۲ ساعتی اوباما

مشروح سخنرانی رامی خوری، خبرنگار لبنانی، در دانشگاه تافتس آمریکا

زمان معامله بزرگ

زمان معامله بزرگ

نگاهی به سوابق اعضای تیم سیاست خارجی اوباما

این گروه خشن

شنایی بالیبر من، نقانیاهو و باراک ا. اعضای تندروی دولت جدید رژیم صهیو نیستی

باز تولید یک هیولا

میدان

باید